

کافه خاطره صبا؛ گفت و گو با کامران قدکچیان کارگردان، نویسنده و تدوین

کار با علی حاتمی لذت بخش



احمد محمد اسماعیلی
گفت و گو

متواضع، فروتن، آشنا به سینما و ذائقه مخاطب، دور از جنجال و حاشیه و یک حرفه‌ای تمام عیار شمایل کامران قدکچیان کارگردان کهنه کار سینمای ایران است که بیش از شش دهه فعالیت مستمر در سینمای ایران داشته است. او از خانواده‌ای هنرمند (فرزند احمد قدکچیان) وارد حیطه سینما شد و با همکاری با بزرگانی نظیر علی حاتمی توانست وارد بدنه سینما و کارگردانی شود. قدکچیان در طول کارنامه کاری‌اش بیش از ۴۵ فیلم بلند ساخته که برخی از آنها نظیر کنیز از جشنواره سپاس جوازی به دست آورد. خاک و خون، جمعه، آواز تهران، فاصله و بهشت پنهان از جمله آثار مهم کارنامه کاری‌اش محسوب می‌شود. با قدکچیان درباره شش دهه فعالیت در عرصه سینما گفت و گویی انجام داده‌ایم.

چقدر پسر زنده یاد احمد قدکچیان بودن به شما کمک کرد تا بتوانید وارد سینمای ایران بشوید؟

در نوجوانی و جوانی بیش از پنج سال در سینما سابقه دستیار کارگردانی و کارهای فنی داشتم. همزمان با تحصیل در دبیرستان در رادیو و برنامه‌های کودک هم کار کردم.

این فعالیتها در چه سالهایی رخ داد؟

حول و حوش سال ۱۳۴۷ و آن موقع نمایش‌های رادیویی زنده پخش می‌شد و یک ماه از مدرسه اجازه می‌گرفتم و می‌رفتم رادیو تا فلان نقش مثلاً شاه اسماعیل صفوی را گویندگی کنم.

آیا پدرتان با این روند خلسل در درس و گویندگی در رادیو موافق بودند؟

به هر حال ایشان چون شرایط و علاقه من را دید به من هم کمک کرد.

آیا از طریق ایشان به رادیو معرفی شدید؟

بله، از دوران کودکی عاشق رفتن به پشت سن تئاتر بودم و پدرم در گروه محمدعلی جعفری تئاتر کار می‌کرد. هر شب پشت پرده می‌ایستادم و با عشق و علاقه نمایش‌ها را می‌دیدم.

کدام نمایش‌ها در ذهن‌تان باقی مانده است؟

خیلی، مادام کاملیا و نمایش‌های متعدد دیگر هنوز در یادم باقی مانده است.

در آن دوران بازی می‌کردید؟

در آن سالها سهیلاریاچی، فیلمی ساخت که محمدعلی جعفری مشاورش بود و من در آن فیلم نقش کودک شخصیت اصلی فیلم را بازی کردم. بنابراین بتدریج با هنر و سینما از کودکی آشنا شدم.

در آن دوران دغدغه اصلی‌تان بازیگری بود یا فیلمسازی؟

عمومی بود و کلیت سینما را دوست داشتم و در رادیو بازیگر بودم و در سینما هم کودک زیاد بازی کردم. در حین فیلمبرداری به مسائل پشت دوربین و تکنیک و فیلمبرداری و سایر امور توجه می‌کردم. بعد از رفتن به دبیرستان و برای اینکه تابستان‌ها بیکار نباشم پدرم من را به استودیو مهرگان فیلم معرفی کرد که استودیوی دوبله و صداگذاری فیلمهای خارجی بود.

در رشته ریاضی تحصیل کردید، آیا دانش آموز درس خوانی بودید؟

خیلی و حتی گاهی مواقع برای بچه‌های تنبل کلاس درس‌ها را تمرین می‌دادم. در روزهای اول حضور در استودیو مهرگان من را به آقای معازهای (صداپرداز استودیو) سپردند و با علاقه روی کار صداپردازها دقت می‌کردم و البته نظافت و تمیز کردن استودیو و جمع‌آوری خرده فیلمها با من بود.

آیا دستمزدی هم می‌گرفتید؟

نه؛ فقط کارآموزی می‌کردم. یاد می‌آید در زمان کودتای نظامی خرداد ۱۳۴۲ در استودیو مشغول صداپردازی چند فیلم خارجی بودیم و چون حکومت نظامی بود مجبور بودیم تا صبح در استودیو بمانیم. سه ماه تعطیلات تابستان در استودیو مشغول این کارها بودم و بتدریج صداپردازی را آموختم.

تدوین را در همین دوران آموختید؟

بعد از دیپلم رفتن و در رشته مونتاز نگاتیو تحصیل کردم. در همان دوران بورسیه مهندسی مکانیک در لندن شدم و قرار بود بروم لندن و در این حد فاصل سه ماه تابستان بود و بعدش اعزام در مهر ماه بود و در همین خلال در سییرا فیلم تولید فیلمی شروع شد و پدرم من را به آقای مجتهدی برای دستیار کارگردانی معرفی کرد. در این فیلم بوتیمار و فروزان و پدرم بازی داشتند. فیلمبرداری در شمال انجام می‌شد و کار حرفه‌ایم شروع شد.

در آن سالها هر کارگردان فقط یک دستیار داشت؟

بله، دستیار کارگردان در آن سالها هم کار دستیار، هم منشی صحنه، هم طراح صحنه، هم طراح گریم و چیدمان دکور را انجام می‌داد.

تمرین با بازیگر هم جزو کارش بود؟

من با خیلی‌ها کار کردم. با ژورک و... اولین همکاری با حاتمی به فیلم طوقی بر می‌گردد. طوقی در کاشان فیلمبرداری می‌شد و قرار بود مراسم قالی شوران را فیلمبرداری کنیم و به همین دلیل چون فیلم پر لوکیشن بود از سه فیلمبردار و دستیار کارگردان استفاده و قرار شد بخشی از صحنه قالی شوران تحت نظارت من فیلمبرداری شود. این آغاز همکاری ما شد و حاتمی از کارم رضایت داشت.

آیا دکوپاژ صحنه را خودتان انجام دادید؟

صحنه چون به صورت واقعی انجام می‌شد هیچ دکوپاژی وجود نداشت و هر دستیار کارگردان به همراه فیلمبردار بخشی از صحنه را فیلمبرداری می‌کرد.

اصلا در فیلمسازی دکوپاژ و میزانشن محلی از اعراب داشت؟

از شانسم در آن سالها با آدم حسابی‌های سینما کار کرد. علی حاتمی سر کار دکوپاژ داشت و هر شب در اتاقش برنامه فردا را می‌گفت. تمام پلان‌های فیلم در ذهن حاتمی دکوپاژ شده آماده بود.

شنیده‌ام حاتمی دکوپاژهایش را در دفتری می‌نوشت.

نه، هر چه در ذهنش می‌آمد به من می‌گفت و من می‌نوشتم.

دیالوگ بازیگران را هم به شما می‌گفت تا بنویسید؟

شیش به من برای مثال می‌گفت فردا بگو ناصر ملک مطیعی و فروزان صبح سر صحنه باشند و لوکیشن هم در عمارت باغ فردوس بود که پنجره و معماری زمان قاجاریه داشت و دکور هم زده شده بود. با آمدن بازیگران علی حاتمی من را به اتاقش می‌برد و می‌گفت این دیالوگها را که می‌گویم بنویس و تقسیم می‌کرد این دیالوگها را ناصر و بقیه را فردین و فروزان بگویند.

با این توضیحات شما پس روز اولی که به طور مثال فردین و ناصر برای بابا شمل قرار داد بستند با فیلمنامه‌ای روبه‌رو نبودند؟

آنها حاتمی را می‌شناختند و قبل از طوقی در تئاتر شناخته شده بود و بازیگران به او اعتماد داشتند و می‌دانستند که او نویسنده خوبی است.

آیا ناصر ملک مطیعی و بهروز و ثوقی به اعتبار یک گراند تئاتر

اگر کارگردان انجام نمی‌داد این کار انجام می‌شد. حتی دستیار در انتخاب بازیگر هم نقش داشت و کارگردان می‌پرسید برای فلان نقش کسی را مدنظر داری؟ من تمام این کارها را انجام می‌دادم.

آیا با این همه کار فقط یک دستمزد دستتاری دریافت می‌کردید؟

بله، از ساعت ۷ صبح کارمان شروع می‌شد و تا زمان غروب آفتاب کار می‌کردیم.

در زمان تمرین با بازیگران آیا بازیگران دیالوگها را حفظ می‌کردند و یاد زمان دوبله دیالوگها بیان می‌شد؟

آن سالها سوقله رواج داشت و من به عنوان دستیار از روی متن نقش‌ها را می‌خواندم و بازیگر با خواندن من و حفظش بازی‌اش را انجام می‌داد و بعدا کار دوبله می‌شد.

خود بازیگران متن را نمی‌خواندند؟ آیا این کار وظیفه دستیار بود؟

مدل کار این شکلی بود و حین خواندن دیالوگ بازیگران زن مقداری صدایم را زنانه می‌کردم!

این شانس را پیدا کردید و در بابا شمل دستیار علی حاتمی بودید.

در این فیلم چون کارم خوب بود همه من را به عنوان یک حرفه‌ای کار بلد شناختند و من را به پروژه‌ها معرفی می‌کردند. در این میان باید انتخاب می‌کردم یا کار سینما را باید رها می‌کردم و یا برای خواندن درس مهندسی به انگلستان می‌رفتم و من سینما را انتخاب کردم.

آیا الان بابت رفاه زندگی که می‌توانستید با تحصیل در رشته مهندسی به دست آورید و با این تصمیم‌ان را از بین بردید پشیمان نیستید؟

الان یکی از رفقایم که او هم در این رشته قبول شده بود در آمریکا مهندس کارخانه جنرال موتورز است و بنده با شش دهه کار و چهل و پنج فیلمی که ساختم و تدوین ۱۵۰ فیلم و آنوس گویی بیش از ۲۰۰ اثر چند سالی است که بیکار هستم!

چگونه با علی حاتمی همکاری کردید؟